

۱۳۹۶ پیاپی ۵، شماره ۷۵، سال ۴، پژوهش‌های ادبی

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

(با تکیه بر غزلیات مریم جعفری آذرمانی، نجمه زارع و پانته آصفایی بروجنی)

دکتر سپیده یگانه

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا  
سحر قهاری\*

### چکیده

یکی از شگردهای عمدۀ بیانی در غزل نو، نmadپردازی است. از این رو دیدگاهی شایسته برای مطالعه نوغزلسرایی در شعر جوان و بویژه آثار زنان شاعر انگاشته شد. بر این اساس مجموعه غزلهای سه تن از زنان نامآشنای شعر جوان (مریم جعفری آذرمانی، نجمه زارع و پانته آصفایی بروجنی) از دید نmadپردازی و شیوه بسامدگیری دقیق و توصیف - تحلیل داده‌ها مورد مطالعه قرار گرفت. بسامدها نشان داد که نmadها به ترتیب بسامد، عبارت است از: «نمادهای محیطی (طبیعی و سازه‌ای) بویژه نmadهای طبیعت جاندار»، «نمادهای تاریخی بویژه تاریخ پیامبران»، «نمادهای اساطیری و حماسی، بیش از همه تحت تأثیر شخصیت‌های شاهنامه فردوسی»، «نمادهای دینی، با محوریت شیطان‌هراسی»، «نمادهای غنایی، محدود به شخصیت‌های آثار غنایی نظامی»، «نمادهای ادبی، با هویت‌بخشی معنایی به اصطلاحات ادبی» و کمتر از همه «نمادهای فرهنگی (ملی و قومی)».

در نتیجه نmadپردازی یکی از ویژگیهای بیانی نوغزلسرایی شاعران زن جوان به‌شمار می‌آید و مبنای آن بر استفاده از نmadهای رایج در شعر معاصر قرار گرفته است؛ از این رو بسامد نmadهای بدیع و نیز کشف ابعاد نو در نmadهای رایج، محدود و اندک ارزیابی می‌شود و تنها در نmadپردازیهای «ادبی» و در مواردی محدود در نmadهای «دینی» و «طبیعی»، نوآوری‌هایی در این زمینه مشهود است.

**کلیدواژه‌ها:** «نمادپردازی» در «غزل نو»، نmad در شعر نجمه زارع، نmad در شعر پانته آصفایی بروجنی، نmad در شعر مریم جعفری آذرمانی، نیما در شعر معاصر فارسی.

تاریخ دریافت مقاله ۱۳۹۶/۷/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۶/۹/۱۶

\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تربیت مدرس

## ۱. مقدمه

غزل نو به موازات شعر نو در ادبیات فارسی شکل گرفت و گسترش یافت. در این نوع غزل از امکانات زبانی، بیانی، محتوا و انگاره‌ای (پس‌زمینه فکری و فلسفی آثار) شعر نو بهره گرفته شده است تا این قالب کلاسیک شعر فارسی بتواند با اقتضای ادبی روز جامعه همگام شود و بقای خود را در جریان ادبیات معاصر حفظ کند.

یکی از ویژگیهای سبکی غزل نو، بهره‌گیری از نمادپردازی است که از عوامل بارز شعر نو به شمار می‌آید. این مقوله در غزل معاصر بویژه غزل شاعران جوان، بسامد چشمگیری دارد و بخش قابل توجهی از آن به غزل زنان شاعر اختصاص دارد. از این رو آثار سه تن از غزلسرایان زن معاصر، که در دو دهه اخیر به کسب رتبه‌های ادبی کشوری موفق شده‌اند به عنوان جامعه‌آماری انتخاب شد.

مریم جعفری آذربانی (۱۳۵۶-ش) با انتشار ۱۲ مجموعه غزل از پرکارترین زنان شاعر معاصر به شمار می‌رود؛ از جمله افتخارات ادبی وی عبارت است از: برگزیده سومین و هفتمین دوره جایزه ادبی پروین اعتصامی، نامزد نهایی سی و یکمین دوره کتاب سال، دوازدهمین دوره جایزه قلم زرین، کتاب فصل، نامزد نهایی اولین دوره جایزه شعر زنان و ... .

نجمه زارع (۱۳۶۱-ش) که با وجود عمر کوتاه خود، توانست حدود ۲۰ بار شاعر برگزیده جشنواره‌های کشوری باشد و به اعتقاد منتقدان تأثیری قابل توجه در زبان و شیوه‌های بیانی غزلسرایان پس از خود بگذارد.

پانتهآ صفائی بروجنی (۱۳۵۹-ش)، صاحب پنج مجموعه غزل و دارای افتخاراتی چون کسب رتبه دوم جشنواره شعر فجر، برنده جایزه گام اول، نامزد جایزه کتاب سال دفتر شعر جوان، نامزد جایزه قلم زرین، نامزد جایزه کتاب سال شعر زنان (کتاب خورشید) و ... است.

این شاعران از غزلسرایان نام‌آشنا در شعر جوان به شمار می‌آیند که با بررسی و تحلیل آثارشان می‌توان به ویژگیهای غزل نوی زنانه در شعر معاصر دست یافت و گامی مؤثر در جریان‌شناسی شعر معاصر زنان برداشت.

نمادپردازی در غزل نو، دیدگاهی است که این مقاله از آن به غزلهای این سه شاعر

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

نگریسته و پس از استخراج نمادها، بسامدگیری و دسته‌بندی به تحلیل یافته‌ها پرداخته است.

### ۱-۱ روش پژوهش

در راستای هدف پژوهش، تمامی مجموعه غزلهای این سه شاعر (شامل ۴۲۳ غزل)، که در پنج سال اخیر منتشر شده است به عنوان جامعه آماری، مورد مطالعه قرار گرفت. این مجموعه‌ها عبارت است از: «تریبون» (۱۳۹۱)، «دایره» (۱۳۹۱)، «صدای اره می‌آید» (۱۳۹۱) و «ضربان» (۱۳۹۴) سروده مریم جعفری آذرمانی، «روزهای آخر آبان» (۱۳۸۹)، «آویشن اندوه» (۱۳۹۳)، «از ماه تا ماهی» (۱۳۹۳) و «دفتین» (۱۳۹۳) سروده پانته‌آ صفائی بروجنی، «یک سرنوشت سه‌حرفی» (۱۳۸۹)، مجموعه کامل غزلهای مرحوم نجمه زارع. بر این اساس تمامی نمادهای اشعار، استخراج و بسامدگیری شد و ضمن احتساب بسامدهای کلان، سهم هر یک از شاعران در فراوانیها مشخص، و در معیار یک به صد (درصدگیری) محاسبه شد؛ به عنوان نمونه در بسامدگیری کلی، بیشترین فراوانی (با ۱۲۱ مورد) به نمادهای محیطی تعلق دارد و بررسی سهم شاعران در این فراوانی به این گونه است: پانته‌آ صفائی بروجنی با ۴۴ مورد معادل تقریبی ۳۶٪، نجمه زارع با ۳۹ مورد معادل تقریبی ۳۲٪ و مریم جعفری آذرمانی با ۳۸ مورد و معادل تقریبی ۳۱٪؛ به همین ترتیب دیگر فراوانیها و آمارهای مورد نیاز ارائه می‌شود. پس از بررسی بسامدها، نمادها مورد تحلیل قرار می‌گیرد. در تحلیل نمادها، اعمال دسته‌بندی علمی ضروری می‌نماید. نmad از دیدهای مختلف – مانند حوزه‌های ارجاعی، زمینه‌های نمادپردازی و شیوه‌های آن – قابل طبقه‌بندی است؛ از آن جمله نمادهای طبیعی و فرهنگی (ر.ک: یونگ، ۱۳۸۳: ۱۴۳) و نمادهای عمومی و بدیع (ر.ک: براهنی، ۱۳۸۰: ۱۲۱) قابل ذکر است.

طبقه‌بندی نمادها از دید حوزه‌های ارجاعی از شیوه‌های رایج در تحلیل آثار نمادین به شمار می‌رود که خود دارای زیرشاخه‌هایی است:

الف) دایره شمول نمادها: فردی و اجتماعی، محدود و نامحدود، کلان و جزیی، عام و خاص، طبیعی و فراتطبیعی و ...

ب) موضوع نمادها: حماسی، غنایی، تاریخی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ...

## ۱-۲ پیشینه پژوهش

در پژوهش‌های ادبی بسیاری به مقوله جریان‌شناسی غزل از دیدهای مختلف زبانی، بیانی، ساختاری و بویژه اندیشه و محتوا به غزل نو پرداخته شده است؛ از آن جمله است سیر غزل در شعر فارسی (۱۳۸۶) از سیروس شمیسا، سیر تحول در غزل فارسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی (۱۳۷۹) از محمدرضا روزبه، غزل نو (۱۳۹۰) از علی‌اصغر بشیری، و مقالاتی مانند «غزل نو و پیش‌زمینه‌های آن» (۱۳۹۱) از علی محمدی و علی-اصغر بشیری «فرم در غزل نو» (۱۳۸۹) از رقیه کاظمزاده، «نوآوری‌های منزوی در غزل» (۱۳۹۲) از نوازالله فرهادی، «نوآوری در غزل» از کاووس حسن‌لی و «غزل معاصر و زمینه‌های شکل‌گیری آن» از محمد‌کاظم علی‌پور. در این میان به مقوله نمادپردازی به عنوان یک عامل سبکی در غزل نو یا پرداخته نشده و یا تنها اشاراتی شده است؛ تمرکز این قبیل پژوهشها نیز بر بررسی و تحلیل نماد در آثار نیمایی و سپید است که از آن جمله می‌توان به گونه‌های نوآوری در شعر معاصر ایران (۱۳۸۶) از کاووس حسن‌لی، سنت و نوآوری در شعر معاصر ایران (۱۳۸۶) از قیصر امین‌پور، بدعت‌ها و بداعی نیما یوشیج از مهدی اخوان ثالث، خانه‌ام ابری است (۱۳۸۱) و سفر در مه (۱۳۹۰) از تقی پورنامداریان و مقالاتی مانند «نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای دفاع مقدس» (۱۳۹۲) از محمدرضا یوسفی و صدیقه رسولیان آرانی، «نماد نقاب و اسطوره در شعر پایداری قیصر امین‌پور» (۱۳۹۲) از کبری روش‌نگر، حسینعلی قبادی و مرتضی زارع یرمی نام برد. از این رو پرداختن به نمادپردازی در غزل شاعران جوان بویژه زنان در راستای سبک‌شناسی و جریان‌شناسی غزل معاصر ضروری می‌نماید.

## ۱-۳ نماد و نمادپردازی

نماد<sup>۱</sup> یکی از عوامل شعر نو بهشمار می‌آید. این اصطلاح ادبی به واژگانی اطلاق می‌شود

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

که علاوه بر معنای ظاهری، هاله معنایی گسترشده را نیز در ذهن مخاطب تداعی کند. «نماد، بیان‌کننده کلیات و مفاهیم بزرگ با موضوعات جزئی است؛ اما این موضوعات و تصاویر جزئی خیالی، آنچنان زنده و جاندار است که ذهن را تسخیر می‌کند» (فووحی، ۱۳۸۵: ۱۶۱). از این رو می‌توان آن را هنر بیان افکار و عواطف، نه به وسیله تشبیه‌ی آشکار، بلکه از راه تداعی معنای دانست (چدویک، ۱۳۷۵: ۱۱). در نماد پردازی «اثنیا فقط شیء نیستند، نمادهایی از شکل‌هایی آرمانی‌اند» (همان: ۱۳۸۸، ۱۷).

ایجاد شبکه معنایی با به‌کارگیری رمزگان نمادین در شعر نمادپردازی<sup>۲</sup> نامیده می‌شود؛ به عبارت دیگر نمادپردازی «مراحل و تبادلات فرایند تکون ساختار نمادین» (قبادی، ۱۳۸۸: ۴۴) را در اثر ادبی شامل می‌شود. ابهام آفرینی، توسع لایه معنایی، بهره‌مندی از ظرفیهای معنایی فرمانتها در القای معنای مورد نظر شاعر و ... از جمله دستاوردهای نمادپردازی در آثار ادبی است.

در نمادپردازی محدودیتی وجود ندارد؛ هرچند ادراک نماد مرهون آن است که فرستنده و گیرنده پیام در رمزگان نماد، مشترک باشند. این رمزگان می‌تواند فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و مانند آن باشد. بنابراین اگرچه شاعر می‌تواند هر آنچه تمایل دارد به نماد تبدیل کند (یوسفی و رسولیان آرani، ۱۳۹۲: ۳۸۶)، باید بداند برای ۱۴۷ ◆ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۱۴۰۱، شماره ۷۵، پیاپی ۱۳۹۶

برقراری ارتباط زبانی موفق با خواننده، نیازمند گرینش نماد از لایه‌های مشترکی است که با مخاطب دارد.

### ۱-۴ غزل نو

غزل نو، که می‌توان آن را فرزند پیوند غزل کلاسیک با شعر نو دانست از مصراجهای انعطاف قالب غزل با اقتضائات ادبی در هر دوره‌ای است. این جریان در واقع، نمودار سازگاری شعر کلاسیک با اقتضائات ادبی روز جامعه است که در قالب غزل جلوه‌گر شد، که قالبی متداول و انعطاف‌پذیر است (کاظمی، ۱۳۸۵: ۳)؛ به عبارت دیگر غزل نو «حاصل تلاش شاعران کلاسیک‌سرایی است که با مشاهده روند پیدایی و شکوفایی شعر نو در همگامی شعر کلاسیک با پسند زمانه خویش، گامهای استواری برداشتند و خود نیز به تأثیر شعر نو در این روند اذعان دارند:

جسم غزل است اما روح همه «نیما» بی است

در آینه تلفیق این چهره تماشایی است

(بهمنی، ۱۳۷۷: ۱۵)

## ۱-۵ نمادپردازی در غزل نو

پیش از این تأکید شد که غزل نو در بسیاری از ویژگیهای خود به شعر نیمایی نظر داشته است و نمادپردازی یکی از نشانه‌های تأثیرپذیری غزل از شعر نو به حساب می‌آید. نمادپردازی از ویژگیهای بر جستهٔ شعر نیمایی است. نیما با اعتقاد به جریان طبیعی بیان و نیز تعهد شعر در بیان واقعیت‌های اجتماعی از نمادها نه برای بیان مفاهیم انتزاعی و ذهنی، بلکه برای بیان واقعیات ملموس زندگی استفاده می‌کند و از این مسیر علاوه بر عمق بخشیدن به شعر، امکان تفسیر و تأویل آن را نیز فراهم می‌کند (پورنامداریان، ۱۳۸۱: ۱۷۳). نماد متضمن توسع معنایی در لایهٔ انگاره‌ای اثر ادبی است و ضمن ایجاد شبکهٔ تداعی معانی گسترده به تقویت ابهام‌آمیزی زبان نیز می‌انجامد. نمادهای شعر معاصر از دید نوآوری و ابداع به دو بخش عمومی (ساخته و پرداخته ذهن گذشتگان) و شخصی (مخلوق ذهن شاعر) تقسیم می‌شود (براهنی، ۱۳۸۰: ۱۲۱؛ بر این اساس، نمادپردازی در غزل نو نیز به دو شیوهٔ کلی قابل تقسیم است:

- الف ) بهره‌گیری از نمادهای تازه و بدیع
- ب ) بهره‌گیری از نمادهای رایج در شعر کلاسیک و نو

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

الف) غزل‌سرا در بهره‌گیری از نمادهای تازه و بدیع از نمادهای خودساخته با بهره‌گیری از لایه‌های مشترک انگاره‌ای خود با خواننده، استفاده می‌کند و خواننده آشنا با سبک و سیاق محتوایی شاعر، نمادها را درمی‌یابد؛ مانند «قاب» نmad فروبستگی و «غزل» نmad همزاد شاعر در غزلیات محمدعلی بهمنی (ر.ک: علامی و یگانه، ۱۳۹۳: ۱۶۶ - ۱۶۹).

ب) بهره‌گیری از نمادهای رایج در شعر کلاسیک و نو به دو شیوه صورت گرفته است:

ب/۱) استفاده از نmad رایج با حفظ هالة معنایی پیشین؛ مانند نmad «آینه» در معنای راستی، صداقت، یکرنگی در غزلیات مریم جعفری آذرمانی و «قادصدک» در معنای بشارت، مژده آوردن، خبررسانی در غزلیات نجمه زارع و پانتهآ صفائی بروجنی.

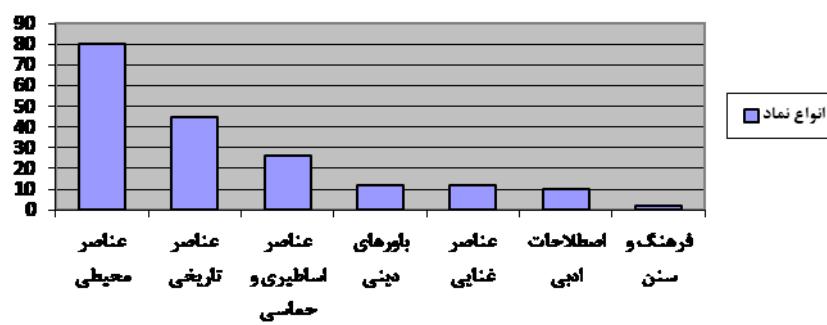
ب/۲) استفاده از نmad رایج در شعر کلاسیک و نو با افاده هالة معنایی نو و رویکردی تازه؛ مانند نmad «هاجر»، همسر حضرت ابراهیم (ع)، در معنای فرمانبرداری از همسر و اطاعت و پیروی از وی در غزل پانتهآ صفائی بروجنی و «عزraigل» در معنای صبر در غزل مریم جعفری آذرمانی.

بر این اساس نمادپردازی‌های غزل‌سرايان، می‌تواند به عنوان یکی از معیارهای نوآوری و نوآندیشی شاعر در غزل مورد ارزیابی قرار بگیرد.

## ۲. نمادپردازی در غزل نو شاعران زن جوان

با بررسی نمادهای غزل نو شاعران زن در دو دهه اخیر به یک طبقه‌بندی انگاره‌ای دست می‌یابیم که در نمودار زیر نشان داده می‌شود:

نمودار ۱: طبقه‌بندی نمادها در غزل نو شاعران زن معاصر



با توجه به نمودار، بیشترین نمادها در غزل زنان معاصر از خانواده «عناصر طبیعت» انتخاب شده و پس از آن «عناصر تاریخی» در جایگاه دوم، عناصر «اساطیری و حماسی» در جایگاه سوم و «باورهای دینی» و «عناصر غنایی» با فراوانی یکسان مورد توجه بوده است. این فراوانی نشان می‌دهد که شاعران زن معاصر در مقامی سویژتیو، به جهان بیرون به عنوان ابزه پرداخته و این ابزه را در زمان حال، گذشته دور و نزدیک با متعلقات آن، دستمایه سرایش و وسیله‌ای برای انتقال مفاهیم ذهنی خود به خواننده قرار داده‌اند. در ادامه به هر یک از این انواع به تفصیل پرداخته می‌شود.

#### ۲-۱ عناصر محیطی (طبیعی و سازه‌ای)

در فرایند شکل‌گیری نمادهای طبیعی عناصر محیطی که شاعر در آن زندگی می‌کند و یا نسبت به آن آشنایی دارد، مورد استفاده قرار می‌گیرد؛ این عناصر می‌تواند طبیعی و یا سازه‌ای و غیرطبیعی باشد. کافی است که شاعر با بهره‌گیری از ظرفیتهای این عناصر در تداعی معانی، هاله‌ای چند وجهی در لایه انگاره‌ای اثرش، ایجاد، و به این ترتیب از توسع معنایی نماد استفاده کند.

همان‌طور که پیش از این آمد، عناصر محیطی (طبیعی و سازه‌ای) بیشترین بسامد را در غزل شاعرن زن جوان به خود اختصاص داده است. در این میان نمادهای عناصر محیط طبیعی با فراوانی (۶۶٪) بیشتر از عناصر محیطی غیرطبیعی است (با ۳۱٪ فراوانی). بیشترین فراوانی در عناصر محیط (طبیعی) به ترتیب بسامد، اختصاص دارد به:

جدول ۱: نمادهای محیطی (طبیعی و سازه‌ای)

نمادهای محیطی	طبیعی	نمادهای محیطی
آنار، سنگ، لجن، قاصدک، پرستو، گنجشک، کبوتر، کوه، کاه، چلچله، کلاح، زمستان، خورشید، ابر، کهربا، نخل، زمین‌لرزه		
مکان‌ها	غیرطبیعی	نمادهای محیطی
آینه، پنجره، نقاب، قفس، شیشه، کلاه، دیوار چین، قلعه		

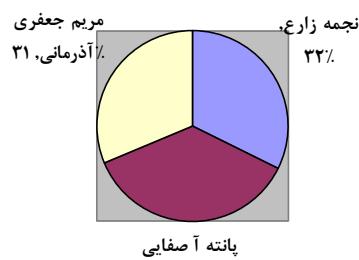
بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که غزل شاعران زن، با وجود پدیده شهرنشینی همچنان بر طبیعت جاندار متمرکز است و از عناصر آن برای انتقال مفاهیم ذهنی خود بهره می‌برد؛ به عبارت دیگر شاعر، طبیعت را نزدیکترین عنصر به ذهنیت خود یافته است.

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

در ادامه پر تکرارترین این نمادها به همراه ابعاد معنایی آنها می‌آید؛ نمادهایی که انتخاب و ساختار هاله معنایی آنها، دارای نوآوری است با خط تیره مشخص شده است.

- آینه: «صداقت»، «پاکی»، «یکرنگی»، «صادق‌نما»، «فرانخی و بی‌مرزی»، «تنهایی»، «وهم»، «غرور»، «حسادت» و ...؛
  - انار: «ثمرة نیکو»، «سرخی و شادابی»، «كمال» و «سرخی و خون»؛
  - سنگ: «بی‌اعتنایی و بی‌احساسی»، «آسیب‌رساندن» و «تکفیر و مترود شدن»، «قابل با شیشه»؛
  - لجن: «آلودگی ، ناپاکی، گندناکی، ماندگی، گناه، بی‌ارزشی و ناچیزی»؛
  - قاصدک: «خبررسانی»، «انتظار بشارت»، «رهایی و آزادی» و «لطافت»؛
  - پرستو: «پرواز»، «کوچ»، «سفر»، «رهایی و سبکبالي»؛
  - گنجشک: «معصومیت و زیبایی» و «کوچکی جثه و ضعف»؛
  - کبوتر: «رهایی و سبکبالي»، «زیبایی»، «نامه‌رسانی»، «قطع وابستگی» و «احساسات شاعر»؛
  - کوه: «قدرت»، «ثبت قدم»، «عظمت و کلانی» و «تکیه‌گاه»
  - پنجره: «نور»، «رهایی»، «آمید» و «شهود»؛
  - نقاب: «دوروبی»، «دورنگی»، «ناراستی»، «شخصیت ناراست».
- میزان بهره‌مندی هر یک از شاعران از نمادهای محیطی نزدیک به هم ارزیابی می‌شود:

نمودار ۲: میزان بهره‌مندی از نمادهای محیطی



شواهدی در ارتباط با موارد یاد/بنویخته/در ۳ ادامه می‌آید:

- 
- |  |
|--|
| <p>هر سیب نارسی که سر شاخه مانده بود<br/>دستی به گونه هات کشید و انار شد<br/>(صفایی بروجنی، ۱۳۹۳: ۷۱)</p> <p>نماد کمال و ثمرة نیکو<br/>تو آنقدر شبیه به سنگی که مدتی است<br/>از فکر دیدن تو ترک می خورد دلم<br/>(زارع، ۱۳۸۹: ۸۶)</p> <p>نماد بی تفاوتی و بی احساسی و تقابل با شیشه؛ عامل شکستن<br/>ادعا می کند که می داند دسته گل را چه کار خواهد کرد<br/>خاک انسان پر از لجن شده است، پس کجا را بهار خواهد کرد؟<br/>(جعفری آذرمانی، ۱۳۹۳: ۳۴)</p> <p>نماد آلدگی، ناپاکی و گناه و بی ارزشی<br/>پلکی بزن که خانه ایمان شود خراب<br/>پلکی بزن که روسربام قاصدک شود<br/>(صفایی بروجنی، ۱۳۹۴: ۶۶)</p> <p>نماد پیک پیام آور، پریدن و پرواز، شوق رسیدن به معشوق و بشارت<br/>هر چند سمت پنجره ها رو نمی کنم<br/>بی حرمتی به نام پرستو نمی کنم<br/>(زارع، ۱۳۸۹: ۱۶)</p> <p>نماد هجرت، کوچ و پرواز<br/>من آخرین مرغ جهانم آخرین گنجشک<br/>که در پی افسانه سیمرغ شد راهی<br/>(صفایی بروجنی، ۱۳۹۳: ۴۳)</p> <p>نماد کوچکی جثه و ضعف و معصومیت و زیبایی<br/>حالا کبوترم و افق پیش روی من<br/>دیگر به دور شمع تو پروانه نیستم<br/>(زارع، ۱۳۸۹: ۶۶)</p> <p>نماد رهیدن و قطع وابستگی<br/>کوه بودم دلم از سنگ، لباسم از سنگ<br/>ابر سیالی از ابریشم و آهن کردی<br/>(صفایی بروجنی، ۱۳۹۳: ۳۸)</p> <p>نماد سختی و استحکام و ثبات و نیز نفوذناپذیری و دوری از احساسات<br/>پنجه در حصار فلز بود هرچه با حس متروک باران</p> <p>دست روی کدورت کشیدم باز هم شیشه ها تار بودند<br/>(جعفری آذرمانی، ۱۳۹۳: ۳۲)</p> <p>نماد رهایی، امید و شهود<br/>خسته ام از تمام آینه ها / چهره ها را نقاب دزدیده است<br/>(جعفری آذرمانی، ۱۳۸۴: ۱۴)</p> |
|--|

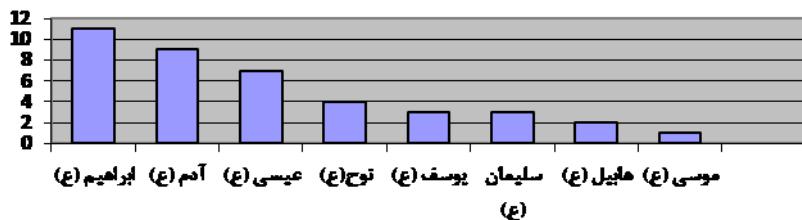
## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

نماد دوره‌بی، شخصیت ناراست، ریا و تظاهر

### ۲-۲ عناصر تاریخ (بیش از همه شامل تاریخ انبیا، تاریخ اسلام و ایران)

پس از عناصر طبیعت بیشترین نمادپردازی، حول عناصر تاریخی صورت گرفته است؛ به این ترتیب شاعران با پیوند مفاهیم ذهنی خود و رویدادهای تاریخی توانسته‌اند به توسع معنایی در القای انگاره به خواننده دست یابند. این عناصر تاریخی در چهار گروه به ترتیب بسامد، قابل طبقه‌بندی است: تاریخ انبیا (٪۸۲)، تاریخ اسلام (٪۶،۵)، تاریخ معاصر ایران (٪۲،۱۷)، تاریخ تصوف (٪۲،۱۷) و تاریخ علم (٪۲،۱۷). با توجه به این فراوانی‌های، بیشترین ارجاع به ابعاد نمادین تاریخ انبیا بوده است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که باورهای دینی - تاریخی از راههای ارتباط معنایی مشترک میان غزل‌سرایان زن با مخاطبان است تا آنجا که شاعر برای تبیین مفاهیم خود از ظرفیت‌های معنایی داستان پیامبران، استفاده می‌کند. در این میان برخی از پیامبران بیش از دیگران مورد توجه بوده‌اند:

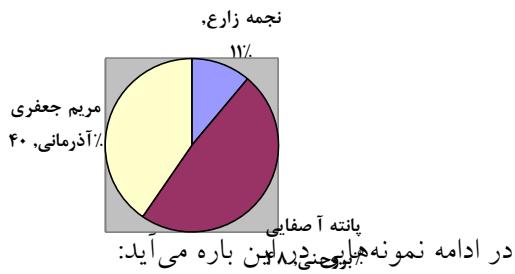
نمودار ۳: فراوانی نمادهای تاریخ انبیا



با توجه به نمودار، بیشترین نمادهای تاریخ پیامبران به «ابراهیم (ع)»، «آدم (ع)» و «حوا»، «مریم» و «عیسی (ع)» تعلق دارد. ابعاد نمادین زندگی این پیامبران عبارت است از: هنگارشکنی، بت‌شکنی، اعجاز و امداد الهی، ابتلا و آزمون برای «ابراهیم (ع)»؛ هبوط، اولین گناه، اغوا، رانده شدن و ... برای «حضرت آدم (ع)» و «حوا»؛ عصمت و پاکدامنی، احیاگری، تحمل سختی و عذاب برای «مریم» و «عیسی (ع)»، طوفان، یقین به وعده الهی برای داستان «نوح (ع)»؛ خودداری و حفظ عصمت برای «یوسف (ع)»؛ شکوه و ثروت برای «سلیمان (ع)»؛ اولین برادرکشی، اولین مقتول برای «هابیل (ع)»، مشاهده حق برای «موسی (ع)» و ... . این موارد از عمدت‌ترین بنمایه‌های نمادپردازی بر مبنای داستان زندگی پیامبران است که در غزل زنان نمود دارد. با توجه به این بنمایه‌ها

درمی‌باییم که در این دست نمادپردازیها، ابعاد معنایی رایج هر نماد، تکرار شده و در این زمینه نوآوری صورت نگرفته است.  
میزان بهره‌مندی از عناصر تاریخی در آثار شاعران مورد نظر، متغیر و دارای دو قطب قوی و یک قطب ضعیف است:

#### نمودار ۴: میزان بهره‌مندی از نمادهای تاریخی



تبرم کو که خلیلی کنم این بار، اگر  
کسی از بتکده ظلم و ستم می‌آید  
(زارع، ۱۳۸۹: ۴۸)

نماد بت‌شکنی، تابوشکنی، ایستاندن در مقابل جهل و کفر عامه مردم، مبارزه با  
اندیشه‌های باطل

میان صحنه لباس حوّا برای من تنگ بود از اول  
چه اعتراضی به کارگردان؟ که نقش خوبی به من نمی‌داد  
(جهانی آذرمانی، ۱۳۹۳: ۳۱)

نماد گناه نخستین، توان ابدی، اغوا و فریب  
- حواریونت را مسيح من! تحمل کن  
طاقت بیاور روزها را تا شب آخر  
(صفایی بروجنی، ۱۳۹۴: ۸۶)

نماد صبر، شکیبایی، مهربانی، گذشت و لطمہ خوردن از یاران  
دریغ از نوح بودن من به موج تنهایی ام نشستم  
که مطمئن بودم آن کلک‌ها در آب دریا روان نمی‌شد  
(جهانی آذرمانی، ۱۳۹۳: ۴۲)

نماد تحذیر، آگاهی از امری خطر و ایمان قلبی داشتن به وعده‌الله  
قانع به خیالی شو و دلخوش به فریبی گرگ دهن آلوهه یوسف ندریده  
(صفایی بروجنی، ۱۳۹۴: ۷۱)

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

نماد بی‌گناهی، نابراداری دیدن و مظلومیت

کسی هرگز اینقدر ثروت ندارد  
نه قارون نه حاتم نه حتی سلیمان

(جعفری آذرمانی، ۱۳۹۱: ۳۳)

نماد ثروت، دارایی و نعمت دنیا

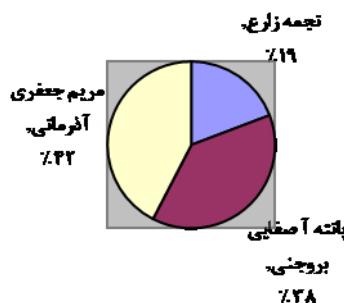
### ۲-۳ عناصر اساطیری و حماسی

پس از عناصر تاریخی، نمادهای اساطیری و حماسی بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده است. فراوانی نمادهای اساطیری و نمادهای حماسی هر دو به یک اندازه، و نشاندهنده این است که اسطوره و حماسه هر دو به یک اندازه از ظرفیت القای مفاهیم در شعر معاصر زنانه برخوردار است. بجز دو مورد (ققنوس و آشیل)، تمامی نمادهای اساطیری و حماسی از عناصر شاهنامه فردوسی انتخاب شده است و این، نقش شاهنامه را به عنوان اثری مرجع برای شاعر معاصر در دو زمینه اسطوره و حماسه، نشان می‌دهد. «ققنوس» به عنوان نماد رستاخیز، مقاومت و فنا شدن در جایگاه نخست این بخش قرار می‌گیرد، پس از آن «ضحاک» (نماد دشمن، شر، اهریمن، خباثت و ظلم)؛ «سیمرغ» (نایابی و ارزشمندی، یار ازلی، پرورنده خیر) قرار دارد. در رتبه سوم ۱۰۵ به «رستم» (نماد پدرانگی، پسرکشی)، «تهمینه» (مادرانگی، داغدیده فرزند)، «سهراب» (جوانمرگی)، «آرش» (وطنپرستی و فدا شدن در راه آن، مهارت، تیراندازی)، «سیاوش» (جوانمرگی و هلاکت) برمی‌خوریم و پس از آن «کیخسرو» (نماد نجاتبخشی)، «زال» (جوانپیری)، «جمشید» (سرنگونی و مرگ)، «کاوه» (نماد مردانگی، قیام علیه ظلم) و «آشیل» (نماد نامیرایی) با بسامد بسیار کم قرار دارد.

با توجه به فراوانیها، آشکار می‌شود که افاده معانی مثبت و منفی از نمادها، تقریباً به یک اندازه است: ابتدا نمادهای مثبت با فراوانی ۵۳ درصدی مفاهیمی چون رستاخیز و دوباره برخاستن، مردانگی، ایستادگی و وطنپرستی را به خواننده القا می‌کند و پس از آن با فاصله آماری اندک مفاهیمی مانند پسرکشی، به داغ فرزند نشستن و جوانمرگی ادراک می‌شود.

میزان نمادپردازیهای اساطیری و حماسی در غزلیات جعفری آذرمانی و صفائی بر جنی بیش از نجمه زارع ارزیابی می‌شود:

نمودار ۵ : میزان بهره‌مندی از نمادهای اساطیری و حماسی



سهم نوآوری نیز در نمادپردازیهای اساطیری و حماسی، اندک و ذهن شاعران غلوب مفاهیم رایج نمادها ارزیابی می‌شود. در ادامه نمونه‌هایی از این نمادها می‌آید:

طلوع سمت قفسه‌ای شب چه دیدنی است دمی که آتش ققنوس را برانگیزم (زارع، ۱۳۸۹: ۲۸)

نماد زایش در عین فنا شدن، از آتش و خاکستر برخاستن، رستاخیز و تداوم. درد من کهنه است، یک عمر است می‌افتد با اردهای خونی ضحاک‌ها، جمشیدهای (صفایی بروجنی، ۱۳۹۴: ۲۰)

نماد خون‌ریزی، سفاکی و ظلم / نماد نگون‌بختی و زوال شکوه عطار! اگر باور کنم سیمرغ افسانه‌ست لذت ندارد منطق‌الطیری که می‌خوانم (جعفری آذرمانی، ۱۳۹۱: ۵۱)

نماد والاچی، نایابی، ارزشمندی، یار ازلى رستم افسانه و تهمینه بهانه‌ست چه کنم کشته سهراب جوان را (همان، ۱۳۹۱: ۳۶)

نماد فرزندکشی و پدرانگی / نماد داغ‌دیدن فرزند، مادرانگی / نماد جوانی و جوانمرگی تیر را بگذار در سربازی این سرزمین جان آرش باید از فاق کمانت بگزارد (صفایی بروجنی، ۱۳۹۳: ۷۹)

نماد وطن‌پرستی و فدا شدن در راه آن زخمی که خون سرخ سیاوش را آتش به جان سبز وطن انداخت زخمی که خون هنوز از آن جاری است پای درختهای بلند فین (همان، ۱۳۹۴: ۷۷)

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

نماد جوانمرگی و بیگناه و مظلومانه کشته شدن (اشاره دارد به شهادت یکی از پنج مرزبان ربوده شده توسط گروهک تروریستی جیش العدل در جنوب سیستان و بلوچستان، مورخ زمستان ۱۳۹۲) (همان).

لشکر ضحاک هی حرف از تو و من می‌زنند  
توی میدان کاوه را دارند گردن می‌زنند  
(زارع، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

نماد خونریزی و سفاکی / نماد عدالت‌خواهی و قیام علیه ظلم و زور  
این چه تقدیری است که عشق من و انکار تو هر دو از افسانه آشیل نامیراترند  
(صفایی بروجنی، ۱۳۸۹: ۲۳)

نماد نامیرایی و بی‌مرگی

### ۴-۲ عناصر غنایی و باورهای دینی

بسامدها نشان می‌دهد در رتبه چهارم، نمادهای غنایی و دینی به یک اندازه در غزلهای مورد بررسی، نمود داشته است. بنابراین در این قسمت ابتدا عناصر غنایی و پس از آن نمادهای دینی تبیین می‌شود:

#### ۴-۲-۱ عناصر غنایی

نمادهای غنایی پیوسته برای القای مفاهیم مبتنی بر احساسات و عواطف انسانی بویژه مفاهیم عاشقانه، به کار می‌رود. غزلهای مورد بررسی نیز به همین شیوه از نمادهای غنایی بهره برده است. فراوانی عناصر غنایی، میانه ارزیابی می‌شود و میزان نوآوری در مفاهیم آنها به صفر نزدیک است. این نمادها به ترتیب بسامد، عبارت است از:

- لیلی و مجnoon: نماد عاشق و معشوق، عشق راستین، ثبات قدم در راه عشق
- فرهاد: نماد عاشق، انجام دادن کار صعب و فنا شدن در راه عشق، عشق یکطرفه
- واژه معنای «عشق»: نماد امر ارزشمند، خطیر و خواستنی، کار شگرف و صعب و گاه خونریز

- ویس: نماد عاشق

- شیرین: نماد معشوق و زیبایی.

آشکار است که مرجع عمدۀ این نمادها آثار غنایی نظامی است و شاعران در کشف نمادهای نوین غنایی چندان اهتمامی نداشته‌اند. در بهره‌گیری از نمادهای غنایی، غرلیات زارع و صفائی بروجنی بیشترین بسامد را به طور مساوی در اختیار دارد:

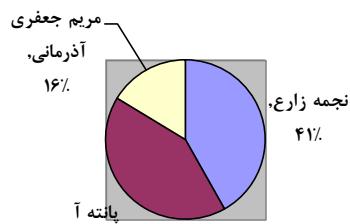
## نماد عاشقی و شیفتگی

### ۲-۴-۲ باورهای دینی

منظور از باورهای دینی مجموعه گزاره‌های اعتقادی است با مبنای دینی که هنرمند آن را به عنوان بخشی از بدیهیات ذهنی خود و خواننده، دستمایه نمادپردازی قرار می‌دهد. پیشفرض اشتراک باورهای دینی شاعر و خواننده از ملزومات نمادپردازیهای دینی و شرط لازم برقراری ارتباطی هنری میان آفریننده و خواننده اثر است. از این رو شاعر در این مرحله، زمانی موفق است که لایه‌های مشترک باورهای دینی خود را، که عمومیت بیشتری دارد به عنوان نماد انتخاب کند. اعتقاد به وجود شیطان و یا ابلیس (۶۶٪)، فرشتگان و کرویان (۳۳٪) و رویدادهای آخرالزمانی (۸٪) از جمله باورهای دینی است

۶

نمودار ۶: میزان بهره‌مندی از نمادهای غنایی



در ادامه ابیاتی به عنوان نمونه می‌آید:  
مجنون به پای جرأت خود ماند و جان سپرد  
 (زارع، ۱۳۸۹: ۶۶)  
بعنوان می‌روم که آن‌همه دیوانه نیستم  
 (صفایی بروجنی، ۱۳۹۳: ۵۵)

نماد عاشق و فدار، فدا شدن در راه عشق، ثبات قدم در عاشقی  
 اگر فرهاد ویران کرد کوهش بی‌ستون بوده      ستون را کوه خواهم کرد؛ دارم سنگ می‌کارم  
 (جهانی آذرمانی، ۱۳۹۳: ۵۵)

نماد عاشق و انجام دادن کار دشوار در راه عشق  
 تا خداوندانه تندیسی بسازد از تو عشق      از دهان ارّه باید استخوانت بگذرد  
 (صفایی بروجنی، ۱۳۹۳: ۷۹)

نماد امری خطیر، صعب و سهمناک  
 کافی است گه‌گاهی بخندی تا ازین کوچه  
 هر صبح ویسی بگذرد هر شب زلیخابی  
 (همان: ۵۴)

۷

۷

### نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

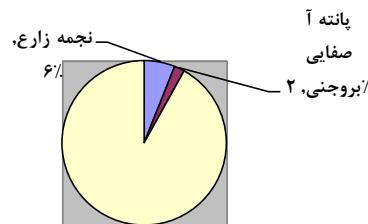
که در غزل شاعران جوان زن، خود را نشان می‌دهد. مفاهیمی که شاعران زن از این باورها به خواننده منتقل می‌کنند عبارت است از:

- نماد شیطان و ابليس با مفاهیم تکبر و غرور، مطروح شدن، عصیان، نگهبان و صاحب جهنم، گناه اندک، شناخت دقیق انسانها و ذات گناهکار شاعر
- نماد فرشتگان و کرویان: (عزرائیل = مرگ و صبر; (جبرئیل) = وحی و پیام‌رسان پرودگار؛ (اسرافیل) = رستاخیز)

با توجه به این ابعاد معنایی، آشکار می‌شود که اغلب مفاهیم القایی تکراری و به دور از نوآوری است و تنها در مواردی محدود – که با خط تیره نشان داده شد – مفاهیم دیگران در این مقوله، بسیار اندک است.

در بررسی سهم هر یک از شاعران در استفاده از نمادهای دینی، مریم جعفری آذربانی با اختلاف آماری چشمگیر، بیشترین بسامد را به خود اختصاص داده و سهم دیگران در این مقوله، بسیار اندک است:

نمودار ۷: میزان بهره‌مندی از نمادهای دینی



در ادامه ایاتی به عنوان نمونه می‌آید. مریم جعفری  
بس کن ابليس! جهان‌بینی من با هبوط تو نیاهوت دارد  
 من گاهان فراوان دارم، تو فقط سجده نکردمی به خدا  
 (جعفری آذربانی، ۱۳۹۱الف: ۴۵)

نماد کمینه گناه شیطان بر گناه انسانها  
 هر چند قادر مطلق، اهل بر و بیایم کرد  
شیطان من تکبر شد؛ از دیگران جدایم کرد  
 (همان، ۱۳۹۳: ۵۶)

تعجب می‌کنم از صبر عزرائیل، چون عمرش  
 تلف شد بس که کشت و... بازمی‌زایند این مردم  
 (همان، ۱۳۹۱الف: ۳۳)

## نماد صبر و مرگ

به رستاخیز خود ایمان نیاوردن، اسرافیل!

به هر شکلی که راضی شان کنی، انکارشان کافی است  
(همان، ۱۳۹۱: ۱۲)

نماد حیات پس از مرگ

### ۲-۵ اصطلاحات ادبی

گاهی اصطلاحات ادبی در غزل خود هویتی معنایی می‌یابد و به عنوان نماد با هاله معنایی گسترده به کار می‌رود. این نمادها، اغلب شخصی است و نوآوری در هاله معنایی آنها، بروز چشمگیر دارد. در غزلهای مورد بررسی نیز رتبه پنجم به نمادهای ادبی اختصاص دارد؛ از آن جمله است:

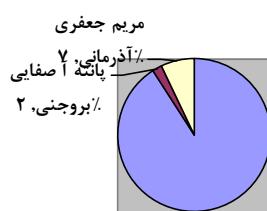
- نماد «غزل» بیش از همه در معنای زاده شاعر و تنها دارایی او، سادگی، احساسات،

گویایی

- نماد «شعر» در معنای سادگی، لطافت، ارزشمندی، انس و آشنایی، دوشیزگی و دخترانگی

این معانی ادراکی، مؤید بیشینه نوآوری در نمادپردازیهای ادبی است. بیشترین سهم در بهره‌گیری از نمادهای ادبی به غزلیات نجمه زارع اختصاص دارد و غزلهای دیگران بسامد چشمگیری ندارد.

نمودار ۸: میزان بهره‌مندی از نمادهای ادبی



و نمونه‌های نمادهای ادبی در ادامه‌های آید:

آنش بزن تمام غزلهای شعر تا لحظه تولد ققوسهاش نجمه را (زارع، ۱۳۸۹: ۱۳۰)

نماد زاده و همزاد شاعر

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

ناشناس شعر، ای روح قدیمی کیستی  
کیستی ای آنکه سمت خویشتن می‌خوانیم  
(زارع، ۱۳۸۹: ۴۰)

نماد همزاد شاعر و آشنا و همراز روان شاعر  
از بخت شعرهای سیاهم گریز نیست  
این دختران سوخته فرزند مریماند  
(جعفری آذربانی، ۱۳۹۱: ۷۸)  
نماد زاده و همزاد شاعر و نیز دخترانگی.

### ۲-۶ فرهنگ و سنن

نمادهای فرهنگی و برآمده از سنتهای مختلف ملی و قومی با کمترین بسامد در غزل شاعران زن آشکار شده است؛ گویی ذهن و زبان زنان غزلسر، نمادپردازیهای فرهنگی و سنتی را چندان اقتضا نمی‌کند و تنها در مواردی محدود به فرهنگ عمومی سرکردن روسربی (به عنوان نماد حجاب شریعتمداری) و دیگری به سنتهای ایرانی نوروز (به عنوان نماد سال نو و تنبه به جای تبسیر) اشاره شده است. این مورد در آثار نجمه زارع نمودی ندارد و سهم دو شاعر دیگر به یک اندازه ارزیابی می‌شود.  
نمودار ۹: میزان بهره‌مندی از نمادهای فرهنگ و سنن



پلکی بزن که روسربی ام قادحکشید  
(صفایی بروجنی، ۱۳۹۴: ۶۶)

عمو نوروز هستم من که با پیراهن سرخم

به طبلم می زنم مردم، جهان از خون اناری شد  
(جعفری آذربانی، ۱۳۹۳: ۶۶)

### ۳. برایند پژوهش

نمادپردازی یکی از شیوه‌های بیانی در غزل معاصر است که از مصراعهای تأثیرپذیری قالب غزل از امکانات بیانی شعر نو به شمار می‌رود. گزینش کلماتی با ابعاد معنایی گستردگی به گونه‌ای که علاوه بر افاده معنای ظاهری، هالة معنایی نیز در فرایند ادراک خواننده ایجاد شود، نمادپردازی نام دارد. برای بررسی و تحلیل نمادپردازیهای

غزلسرایان زن جوان در دو دهه اخیر آثار سه شاعر نامآشنا نجمه زارع، پانتهآ صفایی بروجنی و مریم جعفری آذرمانی ارزیابی شد؛ بر این اساس نمادهای غزل زنان به ترتیب بسامد در هفت گروه نمادهای «محیطی (طبیعی و سازه‌ای)، تاریخی، اساطیری و حماسی، دینی، غنایی، اصطلاحات ادبی و فرهنگ و سنن» قابل طبقه‌بندی است. بیشینه «نمادهای محیطی» نشاندهنده بروونگرایی در سبک زنان شاعر است بویژه بسامد نمادهای محیط طبیعی (طبیعت جاندار) که تمایل و پیوستگی شاعران شهرنشین را با عناصر محیط زیست طبیعی آشکار می‌کند؛ از آن جمله است: آنار (نماد کمال و ثمره نیکو)، لجن (نماد بی‌ارزشی، پلیدی، ماندگی و ناپاکی) و پرندگان (پرستو، گنجشک و کبوتر نماد سفر، عبور، زیبایی، پاکی، رهایی و سیکبالي). پس از آن، «نمادهای تاریخی» و بیش از همه تاریخ پیامبران مورد توجه بوده است؛ نمادگرایی تاریخی از ابعاد زندگی انبیاء، یکی از شگردهای عمده برای توسع معنایی در نوغزل زنان است و بیش از همه بر لایه‌های انگاره‌ای داستان «ابراهیم (ع)»، «آدم (ع)» و «عیسی (ع)» تمرکز دارد. «نمادهای اساطیری و حماسی» تحت تأثیر شاهنامه فردوسی در نوغزل زنان به کار رفته است و سهم القای مفاهیم مثبت و منفی از آنها، مساوی، ارزیابی می‌شود؛ از آن جمله است ضحاک، سیمرغ، رستم، تهمینه، سهراب و ... . «نمادهای غنایی» و «دینی» بسامدی مشابه دارد؛ قریب به اتفاق «نمادهای غنایی» که برای بیان مفاهیم احساسی و القای بار عاطفی واژگان به کار می‌رود؛ از آثار غنایی نظامی انتخاب شده و بیشترین فراوانی در آن، به فرهاد و مجنوون در مقام عاشق راستین و فنای در عشق اختصاص یافته است. «نمادهای دینی»، که به عنوان بدیهیات اعتقادی شاعر و مشترکات ذهنی اش با خواننده به‌شمار می‌رود بیش از همه بر «شیطان و ابلیس» به عنوان نماد «شر، گناه و آشتایی با زوایای درونی انسان» متمرکز است و پس از آن «فرشتنگان مقرب» با توجه به وظایفشان، نماد صبر، مرگ، پیامرسانی حضرت حق و رستاخیزند. «نمادهای ادبی» شامل اصطلاحات فنی شعر و ادبیات است که با هویت‌بخشی هنری در جایگاه نماد قرار گرفته، از آن جمله است «غزل»، که نماد احساسات، سادگی و گویایی است و «شعر» که نمادی است با ابعاد معنایی گسترده از جمله: انس، دوشیزگی و دخترانگی، لطافت و ارزشمندی. کمترین فراوانی به نمادهای فرهنگ ملی و قومی تعلق دارد و این مقوله با ذهن و زبان غزلسروده‌های زنان تناسبی نداشته است. از این رو جز مواردی

## نمادپردازی در غزل نو شاعران جوان زن

معدود مانند «سرکردن روسی» به عنوان نماد حجاب و شریعتمداری و «آیین‌های نوروز» به عنوان نماد شادی و سرور، نمودی در خور توجه دیده نمی‌شود.

سهم نوآوری در غزلها بسیار اندک و به نمادهای ادبی و بخشی از نمادهای دینی محدود می‌شود؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت نمادپردازی یکی از شگردهای عمدۀ بیانی و از ویژگیهای سبکی در غزل شاعران زن جوان بهشمار می‌رود. این شگرد بیانی بیشتر بر تکرار نمادهای رایج و افاده معنایی مرسوم از آنها مبنی است؛ به عبارت دیگر ذهن شاعران در این مقوله به دنبال نمادآفرینی و نیز کشف ابعاد معنایی نو در نمادهای رایج نبوده و صرفاً به واگویی نمادهای رایج در شعر معاصر پرداخته است.

پی‌نوشت

1. Symbol
2. Symbolization

۱۶۳  
❖ فصلنامه پژوهش‌های ادبی سال ۴، شماره ۵، پاییز ۱۳۹۶

منابع کتابها
براهنی، رضا؛ طلا در مس، تهران: زریاب، ۱۳۸۰.
بهمنی، محمدعلی؛ گاهی دلم برای خودم تنگ می‌شود، چ ۲، تهران: دارینوش، ۱۳۷۷.
پورنامداریان، تقی؛ رمز و داستان‌های رمزی، چ ۴، تهران: علمی - فرهنگی، ۱۳۷۵.
_____؛ خانه‌ام ابری است: شعر نیما از سنت تا تجدد، چ ۲، تهران: سروش، ۱۳۸۱.
جعفری آذرنانی، مریم؛ تریبون، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۱ الف.
_____؛ صدای ارّه می‌آید، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۱ ب.
_____؛ دایره، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۳.
_____؛ ضربان، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۴.
چدویک، چالز؛ سمبلیسم، ترجمه مهدی سحابی. چ ۵. تهران: مرکز، ۱۳۸۸.
روزبه، محمدرضا؛ سیر تحول در غزل فارسی از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: روزنه، ۱۳۷۹.
زارع، نجمه؛ یک سرنوشت سه حرفی، کرج: شانی، ۱۳۸۹.
صفایی بروجنی، پانته‌آ؛ روزهای آخر آبان، تهران: سوره مهر، ۱۳۸۹.
_____؛ آویشن اندوه، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۳ الف.

### مقالات‌ها

- حسن‌لی، کاووس، «نوآوری در غزل». *فصلنامه تخصصی شعر*، س. ۱۴، ش. ۴۶، تهران: ۲۷ - ۱۳۸۵، ۳۴.
- علامی، ذوالفقار و یگانه، سپیده، «نمادپردازی‌های حماسی در غزل نئوکلاسیک». *پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، س. ۳، ش. ۱، بهار و تابستان: ۱۶۳ - ۱۸۱، ۱۳۹۳.
- کاظمی، محمدکاظم؛ «غزل و اسرار ماندگاری آن». *فصلنامه تخصصی شعر*، س. ۱۴، ش. ۴۶، تهران: ۵-۳، ۱۳۸۵.
- یوسفی، محمدرضا و رسولیان آرانی، صدیقه؛ «نوآوری‌های سلمان هراتی در پردازش نمادهای دفاع مقدس»، *ادبیات پایداری*، س. ۵، ش. ۹، پاییز و زمستان: ۳۸۳ - ۴۰۷، ۱۳۹۲.

\_\_\_\_\_؛ *از ماه تا ماهی*، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۳ ب.

\_\_\_\_\_؛ دفتین، تهران: فصل پنجم، ۱۳۹۴.

فتوحی، محمود؛ *بلاغت تصویر*، تهران: سخن، ۱۳۸۵.

قبادی، حسینعلی؛ *آیین آیینه*، چ. ۲، تهران: مرکز نشر آثار علمی دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۸۸.

یونگ، کارل گوستاو؛ *انسان و سمبول‌هایش*، ترجمه محمود سلطانیه، تهران: جامی، ۱۳۸۳.